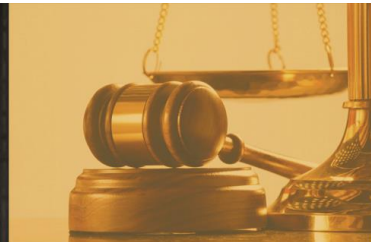


نهادینه کردن زن ستیزی در قوانین رژیم حاکم بر ایران



گزارش اختصاصی کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت مهر ۱۳۹۵



نهادینه کردن زن ستیزی در قوانین رژیم ملاحی حاکم بر ایران

مقدمه

رژیم موسوم به جمهوری اسلامی که نزدیک به ۴۰ سال است، با یک نگرش انحرافی بنیادگرایانه و ارتجاعی به اسلام، بر ایران حکومت می کند، از همان اولین روزهای حکومت خود در سال ۱۹۷۹ [۱۹۷۹]، بنا را بر سرکوب مضاعف و حذف و تحقیر زنان گذاشت. هنوز پژواک صدای زنان در انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران خاموش نشده بود که خمینی درست یک روز پیش از روز جهانی زن، اولین قدم را در جهت سرکوب آنان برداشته و اعلام کرد حجاب برای زنان در ادارات اجباری است. شعار معروف به «یا روسری یا توسری»، که به نشانه خفیف شمردن زنان آزاده ایرانی توسط چماقداران و اوباشان رژیم ملاحی سر داده می شد، هنوز در گوش زنان آن روزگار طنین انداز است.

در بهار ۵۸، موضوع اختلافات خانوادگی به دادگاههای مدنی خاص (که مابه ازاء دادگاههای حمایت خانواده ایجاد شد) واگذار گردید که حق طلاق را به آخوندی بنام حاکم شرع می سپرد.

در سال ۶۱، سن ازدواج برای دختران رسماً از ۱۸ سال به ۹ سال قمری تقلیل یافت. به موازات این قانون، تحصیل دختران متأهل نیز در مدارس ممنوع و منوط به اجازه پدران یا همسران شد.

در بهار سال ۱۳۵۸ با تصویب یک قانون زن ستیزانه، حق قضاوت از زنان سلب گردید و بسیاری از زنان میهنمان که سمت قضایی داشتند از کار قضاوت برکنار شدند.

آخوندهای حاکم سپس تا جایی که می توانستند، زن ستیزی را بصورت بندها و تبصره های مشخص قانونی نهادینه کرده و بر زنان ایران تحمیل نمودند. با این وجود، علاوه بر تصریحات مشخص قانون علیه زنان، سایر بندها و مصوبات قانونی نیز آنقدر باز و دو پهلو نوشته شد که برای هر سوء استفاده ای علیه زنان و بالتبع علیه مردم ایران جا داشته باشد.

در مقدمه قانون اساسی رژیم که در سال ۵۸ تصویب و اجرایی شد، ضمن تاکید بر نقش «خانواده عقیدتی و آرمانی» بعنوان پایه جامعه، و تاکید سر بسته بر التزام اجباری به حکومت آخوندی آمده است:

«زن ... ضمن بازیافتن وظیفه خطیر و پرارج مادری در پرورش انسانهای مکتبی پیش آهنگ و خود هم‌رزم مردان در میدانهای فعال حیات می باشد و ...»

بدین ترتیب، زن از ابتدا، بجای انسانی دارای حقوق مشخص اجتماعی، مدنی و سیاسی، فقط یک مادر تعریف شد که وظیفه اش متولد کردن و پرورش انسانهایی منطبق با ایدئولوژی رژیم حاکم می باشد. ضمناً موجودی است در کنار مرد و نه برابر با مرد در فعالیت اجتماعی، بلکه در خدمت «حیات»!

قانون اساسی

همین دیدگاه در قانون اساسی آخوندها نیز مبنای قانون گذاری قرار گرفته است. اصل دوم قانون اساسی قبل از هر چیز حکومت مذهبی از نوع قرون وسطایی را نهادینه کرده و رای و تشخیص آخوندها را بعنوان امری فرا قانونی به ثبت رسانده است.

اصل دوم قانون اساسی: جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به:

۱. خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او.

۲. امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام.

۳. کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسیولیت او در برابر خدا، که از راه:

○ اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرایط ...

این اصل با سوء استفاده از نام خدا و لزوم تسلیم در برابر او، با نسبت دادن کلمات امامت، رهبری و اجتهاد به شخص ولی فقیه و آخوندهای وابسته به او سعی دارد رژیم آخوندی را خود اسلام جلوه دهد و سپس تحت نام اسلام به هرجنایتی علیه مردم و بخصوص زنان ایرانی دست بزند.

اصل دهم قانون اساسی رژیم آخوندی می نویسد: "از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه ریزیهای مربوطه باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد."

هرچند تاکید بر قداست خانواده طبیعی به نظر می رسد، اما پاسداری از آن بر پایه اخلاق اسلامی، یعنی زورگویی و دخالت آخوندها و ماموران آنها در جزئی ترین مسائل خانوادگی مردم و بخصوص زنان ایران.

کما اینکه اخلاق مقوله ای **نسبی و مبتنی بر سلیقه** است که می تواند از نظر هر آخوند و قاضی حکومتی به یک نوع تفسیر شود.

اصل بیست و یکم که تحت عنوان حقوق زنان نوشته شده، بعد از تاکید بر «رعایت موازین اسلامی» می گوید:

«اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی.»

همانطور که ملاحظه می شود؛ بند ۵ این اصل یک تبعیض آشکار را علیه زنان در اصلی ترین و بنیادی تر قانون کشور نهادینه و قانونی کرده است. بیان ساده این بند آن است که علیرغم تمام زحمات مادر برای کودک خودش، قیم کودک، اول پدر و بعد پدر بزرگ است. اگر آنها وجود نداشتند، و اگر مادر در دستگاه ارتجاعی آخوند ها دارای صلاحیت بود، می تواند سرپرستی کودک خود را بعهده داشته باشد.

یکی از مهمترین مواد قانون ایران که توهین آشکار به حرمت زنان محسوب می شود، مسئلهی تعدد زوجات - چه به صورت دائم و چه به صورت موقت است. به موجب مادهی ۹۴۲ قانون مدنی ایران، مرد می تواند همسران متعدد اختیار کند. در این ماده که در مورد ارث مرد متوفی صحبت می کند آمده است: «در صورت تعدد زوجات ربع یا ثمن ترکه که تعلق به زوجه دارد بین همه ی آنان بالسویه تقسیم می شود.»

قانون مدنی

قانون مدنی رژیم در بند های مختلف خود، زنان را عملاً بعنوان اسیر و برده جنسی مرد تعریف می کند. یعنی دختر در ۹ سالگی، به فرمان پدر یا ... به اسارت مردی در می آید، باید هر جا «شوهر» او می خواهد زندگی کند و بدون اجازه او حق خروج از خانه، کار یا سفر را ندارد به مواد قانون مدنی رژیم توجه کنید!

ماده ۱۰۴۱- تبصره: عقد نکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی به شرط رعایت مصلحت مولی علیه صحیح می باشد.

رژیم ایران بدین وسیله مسیر را برای ازدواج اجباری دختران در هر سنی هموار می کند. ضمناً این قانون در تبصره ماده ۱۲۱۰ خود سن بلوغ و مسئولیت کیفری را نیز برای دختران ۹ سال قمری عنوان کرده که دختران بی پناه را به نهایت آسیب پذیری اجتماعی و قضایی می رساند.

فصل ششم قانونی مدنی اساساً ازدواج موقت را قانونی کرده است که برداشت هایی از فتوای شخص خمینی است. (توضیح المسائل خمینی، مسدله های ۲۴۱۳، ۲۴۲۴، ۲۴۲۵، ۲۴۹۳ و...).

ماده ۱۱۰۵- ریاست خانواده نیز از آن شوهر است و زن بدون اجازه ی شوهر نمی تواند از خانه خارج شود.

ماده ۱۱۱۷- شوهر می تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند.

ماده ۱۱۰۸- هر گاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود.

ماده ۱۱۱۴- زن باید در منزلی که شوهر تعیین می کند، سکنی نماید.

علاوه بر اینها، براساس تمام مواد قانون مدنی مربوط به ارث (ماده ی ۸۶۱ تا ۹۴۹) حق ارث زن و دختر نصف حق ارث مرد و پسر است.

قانون مجازات اسلامی

همانطور که ملاحظه شد، زن در دیدگاه آخوندها ضعیفه و جنس درجه دوم محسوب می شود و از حقوق انسانی بهره ای نمی برد. این دیدگاه در قانون مجازات قرون وسطایی رژیم بصورت مشمترکننده تری به شرافت زن ایرانی حمله ور می شود. چرا که زن در مقام شاهد و یک موجود انسانی، نصف و کمتر از نصف مرد محسوب می شود اما در موقع مجازات های ضد بشری بناگاه مقصر اصلی بشمار می رود و باید عواقب سنگین تری را به جان بخرد.

همانطور که پیش تر گفته شد، سن بلوغ برای پسر ۱۵ سال اما برای دختر تنها ۹ سال قمری تعریف شده است.

به موجب ماده ی ۳۸۲ قانون مجازات اسلامی، مرد مسلمانی که مرتکب قتل عمد یک زن شده باشد قصاص نمیشود، مگر آنکه اولیای دم مقتول، نصف خونبهای یک مرد را قبل از قصاص به اولیای دم مرد قاتل پردازند. این در حالیست که اگر یک زن مرتکب قتل یک مرد شود، تنها با خواست ولی دم اعدام می شود.

ماده ی ۵۵۰- قانون مجازات اسلامی، دیه (خونبهای) قتل زن مسلمان (خواه قتل عمد، خواه قتل غیرعمد) نصف دیه ی مرد مسلمان است. بدین ترتیب قانون، تساوی حق حیات زن و مرد را زیر پا می گذارد. علاوه بر این به موجب بند ج ماده ی ۷۱۶ قانون مجازات اسلامی، دیه ی جنین دختر از چهارماهگی به بعد نصف دیه ی جنین پسر است. ترجمه این قانون آن است که اگر یک زن آبدستن (دارای جنینی که روح در آن دمیده شده باشد) به قتل برسد، دیه ی آن جنین ۴ ماهه دوبرابر دیه ی مادر اوست. براساس ماده ی ۷۱۷ قانون مجازات اسلامی، سقط جنین توسط زن جرم محسوب شده و هرگاه زن، جنین خود را سقط کند، دیه (خونبها) را در هر مرحله که باشد باید پردازد.

شایان توجه است که پدر یا اجداد پدری، ولی دم محسوب شده و حق قتل اولاد خود را دارند. ماده ۳۰۱ می گوید: قصاص در صورتی ثابت می شود که مرتکب، پدر یا اجداد پدری مجنی علیه نباشد. در قوانین جزائی ایران، زناى محصنه جرم محسوب می شود که بسته به حد آن، مجازات سنگسار، اعدام و یا شلاق به همراه دارد. به موجب همه قوانین جزایی، شهادت دو زن برابر با شهادت یک مرد است یا بدون شهادت مردان پذیرفته نمی شود. در برخی موارد، شهادت زن اصلاً به حساب نمی آید.

لوايح تکمیلی

زن ستیزی آخوندی با وجود همه ستم هایی که در قوانین خود علیه زنان روا داشته بازهم تأمین نشده است. جنگ خونین بین مردم و زنان ایران که نمی خواهند در قرن بیست و یکم به بنیادگرایی تن بدهند هر روز اوج تازه یی می گیرد. سلاح و مهمات رژیم حاکم در این جنگ مثل همیشه افزودن بر سرکوب و اعدام و افزودن بر لوايح و قوانین زن ستیزانه می باشد. لایحه حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر که در خرداد ماه ۹۳ به تصویب رسید. اعمال حجاب اجباری را فرا قانونی کرد و دست باندهای جنایتکار مرتبط با حکومت را برای هر جنایتی علیه زنان باز نمود. بلافاصله با صدور لایحه مزبور شاهد جنایت اسیدپاشی و بعد چاقو کشی علیه زنان به بهانه آخوند ساخته بدحجابی بودیم. کل هدف رژیم در مقدمه این لایحه آشکار است: «اصل هشتم قانون اساسی امر به معروف و نهی از منکر را به عنوان یک تکلیف همگانی مقرر نموده و شهروندان را در مقابل رفتار یکدیگر مسئول و ناظر قرار داده است. ...» طرح حاضر صرفاً با هدف حمایت قانونی از آمران به معروف و ناهیان از منکر است و به منظور رفع خلأ قانونی تهیه گردیده است.»

این لایحه سپس در یک ماده واحده بر حمایت دولتی و قانونی از چنین جنایاتی تأکید کرده و می گوید: «هرگاه فردی در مقام دفاع از شعائر اسلامی به شرط عدم استفاده از الفاظ رکیک اقدام به امر به معروف و نهی از منکر نماید و به این جهت به او صدمه جسمی و جانی وارد آید، حسب مورد مشمول قوانین و مقررات مربوط به جانبازان و شهدا می شود.»

این لایحه علیرغم عوارض جانکاه که بر جسم قربانیان اسیدپاشی و روح و روان همه زنان و جوانان میهن ما بجا گذاشت، در سرکوب و به حاشیه راندن آنان افاقه نکرد و زنان شجاع ایرانی در برابر قوانین زن ستیزانه آخوندی سر فرود نیاوردند. از این رو، مجلس رژیم بلافاصله دست به کار لایحه دیگری با عنوان طرح صیانت از عفاف و حجاب گردید که در ۱۳ دی سال جاری به تصویب رسید.

این طرح علاوه بر تأکید بر مواردی که در قوانین و لوايح قبلی آمده، بدحجابی را بعنوان یک تخلف رانندگی نیز محسوب کرده و زنان را علاوه بر توهین و تحقیر و مجازات های قضایی نظیر شلاق، در معرض اخاذی های مالی نیز قرار می دهد. «طبق ماده یک طرح عفاف و حجاب، مأموران راهنمایی و رانندگی می توانند با آن دسته از رانندگانی که در خودروی خود اقدام به کشف حجاب و ... می کنند، برخورد کرده و جریمه ۱۰۰ هزار تومانی برای آنها لحاظ کنند. البته برای این دسته از رانندگان، علاوه بر جریمه نقدی، در صورت تکرار این تخلفات ۱۰ نمره منفی، طبق موضوع ماده ۷ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی نیز لحاظ شده و وسیله نقلیه آنها نیز به مدت ۷۲ ساعت توقیف خواهد شد.»

بر اساس ماده ۲ این طرح نیز، کارکنان دولت در صورت عدم رعایت حجاب اجباری با توییح کتبی و درج در پرونده استخدامی مواجه می شوند و در صورت تکرار، به کسر حقوق فوق العاده شغل و یا عناوین مشابه و کسر یک سوم از حقوق یک ماه محکوم می شوند.»

در تبصره این مواد تاکید شده که این قوانین مانع از تعقیب قانونی خاطیان نخواهد شد.

ماده ۵ این طرح، اشتغال زنان در واحدهای صنفی را به تفکیک جنسیتی در محیط کار و محدوده زمانی ساعات ۷ صبح تا ۱۰ شب محدود میکند.

عدم رعایت از این ماده تخلف صنفی محسوب می شود و واحد صنفی متخلف از طریق نیروی انتظامی به مدت یک هفته و در صورت تکرار به مدت یک ماه تعطیل خواهد شد.

طبق ماده سه این طرح تمامی دستگاه های مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری موظف هستند ترتیبی اتخاذ کنند که ورود و حضور بانوان مراجعه کننده با رعایت حجاب شرعی باشد.

نتیجه گیری

اگر بخواهیم راجع به قوانین زن ستیزانه و ضد بشری رژیم قرون وسطایی حاکم بر ایران صحبت کنیم به روزها وقت نیاز داریم و طبعاً در این گزارش نمی گنجد. لذا مجبوریم به همین مختصر، که بواقع قطره ای از دریای ظلم و جنایت است، اکتفا و بسنده کنیم. چون شما در هیچیک از قوانین اصلی و یا فرعی و ثانوی رژیم فاشیستی آخوندها نیست که ضدیت هیستریک آنان با زنان را نبینید. در امر تحصیل، در امر پوشش و لباس، در امر ازدواج، در امر طلاق، در بحث ارث که به نمونه ای از آن اشاره شد، در جداسازیهای مشمژ کننده در اتوبوسها و محل های کار و... در همه جا دیو بنیادگرایی و ارتجاع و واگشت به قرون تاریک عصر حجر به چشم میخورد.

اینها گوشه ای از رنج و ستمی است که بصورت نوشته و قانون و مصوبه و مقررات بر جامعه ما و بر علیه زنان میهن ما روا داشته شده است. بسیاری از نانوشته ها هم هست که برای بیان آن نیاز به وقت و فرصتی دیگر داریم. از دختران کارتن خواب، از دختران فراری، از زنانی که برای سد جوع فرزندانشان مجبور به خودفروشی هستند، از زنان و دخترانی که برای دفاع مشروع از حیثیت و شرف خود در قبال جانورانی بنام اطلاعاتی و پاسدار به طناب های دار شقاوت تسلیم شدند، هنوز سخنی به میان نیاورده ایم.

ما در کسوت مقاومت مشروع مردم ایران با یک پایگاه عظیم مردمی برای برچیدن همه ظلم و ستم ها طرح و برنامه داریم. ما سخنگو داریم. ما سمبلی برای آزادی و آبادی آینده میهن مان ایران داریم. شما را به طرح ۱۰ ماده خانم مریم رجوی، رئیس جمهور منتخب شورای ملی مقاومت ایران ارجاع می دهیم...

از انتشارات کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران- ۱۳۹۵

حق طبع و انتشار محفوظ و متعلق به کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران می باشد.

چاپ و انتشار این گزارش و یا بخش هایی از آن با اجازه قبلی و یا ذکر منبع مجاز است.